

زن سوم پدرم خیلی جوان بود؛

## ۱۶ ساله بودم که عقد موقت ۴۶ ساله شدم!



روزی نازنین از من خواست برای جمع آوری لوازم زندگی برداش با یکدیگر به شهرستان برویم و لوازم او را به مشهد بیاوریم، چرا که برادر نازنین و همسرش در حال متار که بودند اما وقتی به شهرستان رسیدیم و من در جریان طلاق برادر نازنین قرار گرفتم خام حرف هایش شدم و با او که ۳۰ سال از من بزرگ تر بود ارتباط برقرار کردم.

خلاصه زمانی به خود آمدم که دیگر عاشق شده بودم. حدود یک سال به طور پنهانی با «آرمن» ارتباط داشتم تا این که پدرم متوجه ماجرا شد و ما با تهیه یک صیغه نامه ازدواج مان را علنی کردیم.

یکدیگر درگیر می شدیم و کتک کاری می کردیم. مشاجره و دعوای ما نیاز به بهانه نداشت و با هر کلامی یا رفتاری سروسو و سامی می کردیم. در این شرایط پدرم مرا تحویل بهزیستی داد تا بیشتر از این آبروریزی نکنم. روزهای سختی را در آن جا می گذراندم. روحیه ام را از دست داده بودم و آزادی هیم محدود شده بود به همین دلیل مدتی بعد و در تماس های تلفنی متعدد به پدرم التماس می کردم که مرا از بهزیستی تحویل بگیرد. به او قول دادم که دختر سربه راهی می شوم و دست از آزار و اذیت خانواده برمی دارم. بالاخره پدرم رضایت داد و من از آن مرکز بیرون آمدم اما دیگر «گلنار» سابق نبودم و بیشتر از گذشته لجبازی می کردم. کینه عجیبی از پدرم به دل گرفته بودم و نمی توانستم در کنار نامادری ام زندگی کنم. از سوی دیگر نیز پدرم دوست داشت به هر طریق ممکن مرا از خانه دور کند تا مزاحم خوش گذرانی هایش نباشم.

این بود که به من اجازه داد از شهرستان به مشهد مهاجرت کنم و در آن جا مشغول کار شوم اما وقتی به مشهد آمدم جا و مکانی نداشتیم و هر روز به خانه افرادی می رفتم که در طول روز با آن ها آشنا می شدم. هنوز بیشتر از یک ماه از حضورم در مشهد نگذشته بود که با «نازنین» آشنا شدم و با یکدیگر معاشرت کردیم.

نامی فهمیدم. او فقط مادرم نبود بلکه جای پدر و دوست راهم برابرم می کرد. حالادیکر حامی و پشتیبانم را از دست داده بودم. خواهر ناتنی ام ازدواج کرده بود و من درحالی باید از دو خواهر کوچک تر مراقبت می کردم و به امور خانه داری می پرداختم که حتی طرز تهیه یک غذای ساده را هم نمی دانستم. خیلی ناباورانه درگیر ماجراهایی شده بودم که هیچ اطلاعاتی در باره آن نداشتم. با آن که دانش آموز درس خوانی بودم اما به اجبار پدرم ترک تحصیل کردم تا امور مربوط به خانه داری را انجام بدهم. با این حال مدام پدرم کتکم می زد و سرزنشم می کرد چرا که خانه داری بلد نبودم و هر روز خرابکاری می کردم. در همین روزها به خانه همسایگان مان رفت و آمد داشتم و دوستانی برای خودم پیدا کرده بودم. هرچه پدرم مرا از ارتباط با برخی پسران محله منع می کرد گوشم بدهکار نبود و دیگر مقابل پدرم می ایستادم و بدون حیا و عفت کلامی باسببش را می دادم.

چند بار از خانه فرار کردم و به نصیحت های هیچ کس گوش نمی دادم حتی با خواهران خود بدرفتاری می کردم، به دختری خیره سر تبدیل شده بودم و از کسی حرف شنوی نداشتم. در همین روزها بود که پدرم برای بار سوم ازدواج کرد اما من نمی توانستم نامادری جوانم را تحمل کنم به همین دلیل همواره با

گروه حوادث - وقتی بعد از مرگ مادرم دچار آشفتگی های روحی شده بودم، پدرم برای سومین بار با دختر ۲۲ ساله ای ازدواج کرد که هیچ سازگاری اخلاقی با هم نداشتیم به همین دلیل من هم به بهانه کار در مشهد از آن زندگی باسما مان فرار کردم اما دچار مخصصه و حشمتاکی شدم...

زن ۱۸ساله ای که مدعی بود پس از دو سال زندگی با مردی که ۳۰ سال از او بزرگ تر بود تنها یک صیغه نامه روی دستش مانده است درباره سرگذشت تلخ خود به کارشناس اجتماعی کلاتری بنجنت مشهد گفت: سال ها قبل پدرم بعد از آن که همسرش از طلاق داد با مادر من ازدواج کرد در حالی که خواهر ناتنی ام نیز (دختر همسر اول پدرم) نزد ما زندگی می کرد و بعد من به دنیا آمدم.

پدرم که اکنون بازنشسته است آن زمان در یک شرکت تولیدی در یکی از شهرهای خراسان رضوی مشغول کار بود و اوضاع مالی خوبی داشت اما بسیار عیاش و خوش گذران بود و توجه زیادی به من و دو خواهر کوچک ترم نداشت.

پدرم که اکنون بازنشسته است آن زمان در یک شرکت تولیدی در یکی از شهرهای خراسان رضوی مشغول کار بود و اوضاع مالی خوبی داشت اما بسیار عیاش و خوش گذران بود و توجه زیادی به من و دو خواهر کوچک ترم نداشت.

پدرم که اکنون بازنشسته است آن زمان در یک شرکت تولیدی در یکی از شهرهای خراسان رضوی مشغول کار بود و اوضاع مالی خوبی داشت اما بسیار عیاش و خوش گذران بود و توجه زیادی به من و دو خواهر کوچک ترم نداشت.

گروه حوادث - تحقیقات پلیسی قضایی، جزئیات تازه ای از جنایت های سیاه خواهر و برادری را در خانه وحشت فاش کرد. متهمان برای این که دختران را در خانه زندانی کنند از آنها فیلم سیاه تهیه می کردند. متهم به قتل خود را به عنوان سرهنگ به قربانیان معرفی می کرد.

سعید ۳۳ ساله به اتهام قتل یک زن و زندانی کردن هفت زن در خانه وحشت در جنوب تهران بازداشت شد. مأموران در بازرسی از خانه او کارت ملی دختر جوانی را یافتند که احتمال می دهند او نیز یکی از افراد زندانی در این خانه باشد که هنوز معلوم نیست او از سوی متهم به قتل رسیده یا فرضی برای فرار پیدا کرده است.

همچنین مأموران با ادامه تحقیقات متوجه شدند در دو ماه گذشته جسد دو دختر جوان در حوالی خانه متهم پرونده کشف شده بود که احتمال می رود این دو نیز از سوی سعید به قتل رسیده باشند. در روز دو دختر نجات یافته نیز دوباره مورد بازجویی های قضایی پلیسی قرار گرفتند این بار ابعاد جدیدی از اقدامات متهم در خانه وحشت را افشا کردند.

زهرای یکی از قربانیان گفت: مادرم وقتی مرا باردار شده بود، پدرم خیلی تلاش کرد تا من مسقط شوم و همین کارها باعث شد از ناحیه یادچار معلولیت شوم. پدرم مرا سر بار می دانست. دیگر نمی توانستم در آن خانه با نگاه های سرد پدرم و اطرافیان بمانم و تصمیم گرفتم به ترکیه مهاجرت کنم. کمی پول جمع کردم و از خانه مان در اسلامشهر فرار کرده و به تهران آمدم. می خواستم به کمک یک قاچاق بر به ترکیه بروم که دام سعید گرفتار شدم. مرا به خانه و نزد

## جزئیاتی تازه از خانه وحشت در تهران

خواهرش برد. سعید مر او مرد سوءاستفاده جنسی قرار داد. از صحنه های این ارتباط ها با من فیلم می گرفت.

دختر نجات یافته ادامه داد: او علاوه بر این فیلم ها مرا بارها مجبور کرده بود که مقابل دوربین به مسؤلان نظام و کشور مقدسات توهین کنم. او تهدید می کرد که اگر به فکر فرار باشم، با انتشار فیلم های خصوصی آبروی خانواده ام را می برد. او همچنین خودش را سرهنگ معرفی می کرد و تهدید می کرد فیلم توهین من به مسؤلان را در اختیار همکارانش قرار می دهد و پرونده سیاسی برای من تشکیل می دهد تا با اعدام محکوم شوم. او از ترس مجبور شدم در آن خانه بمانم. سعید این فیلم ها را از بقیه دختران و حتی دختر کشته شده هم گرفته بود. او آن شب که دختر جوان را کشت جسد او را به حمام برد، چند روزی آنجا نگهداری کرد و بعد به اتاق برد و در کمد گذاشت. برای این که بوی جسد در فضا نیپیچد هر روز ساعت ها عود روشن می کرد. من از او وحشت دارم آزاد شدم مرا به قتل می رساند. از ترس او برای همیشه به ترکیه می روم.

دختر نجات یافته هم گفت: پدرم معتاد بود و مجبور می کرد بیرون از خانه هر کاری انجام دهم و با پول آن برایش شیشه بخرم. به همین دلیل سه سال قبل از خانه مان در تهرانپارس بیرون زده و در دام سعید افتادم. او از من هم فیلم های سیاه و سیاسی گرفته بود. همیشه وقتی قربانی جدید به خانه می آورد جای بقیه دختران را اجابه جامی کرد. در اتاق، حمام یا سرویس بهداشتی قرار می داد تا کمتر همدیگر را ببینیم و نتوانیم فرصتی برای فرار پیدا کنیم.

محمد و هانی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران در این باره گفت: از متهم در ارتباط با قتل دوزن که جسدشان در حوالی خانه وحشت پیدا شده در حال تحقیق هستیم. علاوه بر آن چون هویت مقتول هنوز مشخص نیست آزمایش دنان ای از او گرفته شده و قرار شد که مأموران پرونده های دختران جوان گمشده در اداره های پلیس سراسر کشور را بررسی کنند. همچنین متهم پرونده و خواهرش برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی شدند.

## اسیدپاشی به زنی که در خانه شوهر زندانی بود!

گفت علت اسیدپاشی همسرش، تصمیم دخترم برای جدایی بود و وی از آن سه بعد از دخترم کینه به دل گرفته و در نهایت نیز دست به اسیدپاشی زده است.

تهدید به قتل با شکایت این مرد، مأموران اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران با دستور قاضی عظیم سهرابی بازپرس جنایی تهران تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی ها نشان می داد که زن جوان دچار ۱۵ درصد سوختگی شده و در بیمارستان بستری است. مأموران در ابتدا راهی بیمارستان شدند و به تحقیق از قربانی اسیدپاشی پرداختند.

او همانطور که پدرش هنگام شکایت توضیح داده بود ماجرای ۱۳ روز حبس در خانه همسر سابقش و اسیدپاشی را بازگو کرد و در ادامه گفت: زمانی که همسر سابقم به روی من اسید پاشید و دچار سوختگی شدم، مرا به بیمارستان رساند اما تهدید کرد که اگر ماجرای حبس خانگی و اسیدپاشی را به کسی بازگو کنم مرا به قتل می رساند و به همین دلیل جرأت نمی کردم به کسی حرفی بزنم.

اظهارات متهم

زمان زیادی طول نکشید که مأموران عامل اسیدپاشی را در یکی از محله های تهران دستگیر کردند. مرد جوان اگر چه در بازجویی های ابتدایی اصرار بر بیگناهی داشت اما در نهایت به اسیدپاشی با انگیزه انتقامجویی اعتراف کرد. او مدعی شد که پس از اینکه همسرش از او طلاق گرفته و به اصرار او برای ادامه زندگی توجه نکرده، دچار سوء ظن و کینه شده و برای همین آخرین باری که زن جوان برای دیدن بچه ها به خانه همسر سابقش رفته و او را حبس کرده و به روی وی اسیدپاشیده است.

متهم پس از اقرار به اسیدپاشی بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

گروه حوادث - وقتی زن جوان با حکم دادگاه از همسرش جدا شد، شوهر او کینه عجیبی به دل گرفت و نقشه اسیدپاشی کشید.

اسرار حادثه اسیدپاشی چند روز قبل با شکایت پدر زن از داماد سابقش فاش شد. شاکي با حضور در اداره پلیس به مأموران گفت: دخترم سال ها بود که با شوهرش اختلاف داشت و آنطور که برایم تعریف می کرد شوهرش مردی پر خاشاک بود که هر از گاهی کتکش می زد.

وی ادامه داد: دخترم سال ها بود با همه شرایط شوهرش ساخت اما در نهایت تصمیم به جدایی گرفت. می گفت به خاطر فرزندانش هم که شده باید از همسرش جدا شوم. او سرانجام راهی دادگاه خانواده شد و درخواست طلاق داد و پس از طی کردن پیچ و خم های قضایی سرانجام از همسرش جدا شد و دادگاه حضانت فرزندانش را به همسرش سپرد.

اسیدپاشی مرد انتقام جو به روی همسر سابق

مرد میانسال گفت: دخترم هر از گاهی به خانه همسر سابقش می رفت تا بچه های را ببیند. آخرین بار اما وقتی به آنجا رفت ناپدید شد و پس از حدود ۲ هفته سسر از بیمارستان درآورد. من در این مدت نمی دانستم چه بلایی بر سرش آمده و هر بار که به او زنگ می زدم، می گفت که حالش خوب است تا اینکه فهمیدم در بیمارستان سوانح و سوختگی بستری شده است.

وقتی به دیدنش رفتم ابتدا حرفی نزد و گفت در حال نظافت بوده که مواد شیمیایی روی بدنش ریخته است اما من به ماجرا مشکوک شده بودم. برای همین اصرار کردم و تا اینکه دخترم اسرار هولناکی را فاش کرد.

او برایم تعریف کرد که آخرین بار که به دیدن بچه هایش رفته، همسر سابقش او را در خانه حبس کرده است. در این مدت نیز تهدیدش می کرده که اگر به کسی حرفی بزنم جانش را می گیرد. در نهایت هم با یکدیگر درگیر شده اند و او به روی دخترم اسید پاشیده بود. آنطور که دخترم

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

### حمل بار

حمل و جابجایی کالا  
با ۶ چرخ در سطح جزیره  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

### خدمات

خدمات برق  
انجام کلیه امور برق ساختمان و  
پروژه های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

### استخدام

یک آقا آشپز ایرانی  
و یک آقا ظرفشور ماهر  
در رستوران فودلند نیازمندیم.  
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۵۳۷۹  
ساعات تماس: از ۱۱ الی ۱۶  
بعداز ظهر

### استخدام

کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر  
جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند  
به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک b۳، طبقه سوم  
واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

### رستوران

رستوران اکبر جوجه اصل گلوگاه در  
نزدیکی شماسط طعم نوستالژی و کیفیت  
عالی تخفیف ویژه برای کیشوندان عزیز  
پیک رایگان ۰۹۱۱۴۸۸۰۰۲۰

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی  
جزئی و کلی مجتمع های اداری  
مسکونی - خدماتی - تجاری  
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

تاسیسات ساختمانی کریمی  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

منشی شیفت بعدازظهر جهت کار در یک شرکت  
استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی  
ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵  
مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

جوشکار ساختمانی جهت  
نصب نبشی

مورد نیاز است.  
۰۹۳۷۶۶۶۰۲۳۷

کترینگ شیرین پلو ارسال به سراسر  
جزیره فاز ۲ صدف میدان گلستان  
۴۴۴۴۳۰۷۲-۳

### مشاور ملکی

کترینگ بیرون بر شانددیز  
منو متفاوت، کیفیت عالی بهشت شانددیز  
۰۹۰۲۰۰۹۸۰۲۴

مشاور امین ملکی شما  
در جزیره کیش املاک امروز  
۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰

به دو کارمند خانم جهت  
استخدام در فروشگاه  
لوازم التحریر نیازمندیم.  
محدوده نوبنیاد  
۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹

نیروی خدماتی (خانم، آقا) جهت کار  
در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان  
می توانند به نشانی ویلاهای مروارید  
بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵  
مراجعه کنند.  
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

۴۴۴۲۴۹۶۹  
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش